

### متن پرسش

سلام خدمت استاد. درد دلی دارم، واقعا درد دارم. جوان ۲۸ ساله هستم مجرد! استاد خسته شدیم بریده ایم و نبریده ایم. جامعه و زمانه ی خاصی که در آن هستیم را می فهمم، هیچ کسی باعث مشکل من نیست اما همه ی مشکل هم از من نیست، نه غربی شده ایم که همه چیزها باشد نه سنتی مانده ایم که ۲۰ سالگی دوتا بچه داشته باشیم، ما هستیم و این مجرد پدر در بیاری که دین و دنیامان را تباه کرد. خسته شدیم از بس نصیحت شنیدیم. استاد واقعا در دوران عجیبی هستیم، طرفدار انقلابیم و توجیه گر تمام مشکلاتی که غربگرایی برایمان ارمغان آورده، با تمام وجود انقلاب را می فهمیم و از انقلاب دفاع می کنیم، اما در جمع وقتی ازمان سوال می کنند اگه شرایط خوبه چرا زن نمیگری بند دلمان پاره می شود! تحقیر می شویم، خرد می شویم دلمان به لرزه می افتد، چه بگوییم؟ نه تقوایی داریم، نه توکلی، نه سیستمی که دستمان را بگیرد، نه جامعه توکل و تقوا را به ما یاد داده است! استاد امروز دهه شصت و پنجاه نیست، عصر تجمل و ریخت و پاش و سبک زندگی آمریکایی است، ما هم دلمان لک می زند نه یک بار نه دو بار روزی صد بار دلمان می تپد تا زوجی را می بینیم که کنار هم راه میر وند، ما پیغمبر زاده نیستیم، ما در همین جامعه رشد کرده ایم، هر مقدار هم خیالمان را کنترل کنیم و سربه زیر و محجوب باز هم می فهمیم که زندگیمان می لنگد! می فهمیم کم داریم، هزار بار می شکنیم دم بر نمی آوریم، دچار هزاران تناقضیم، هیچ کسی هم ما را نمی فهمد، نسل قبل ما هیچ وقت مجردی و دور شدن از سن ازدواج را نچشیده، ما اولین نسلی هستیم که چنین دردی را می چشیم، گمانم هیچ دوره ای همچین معضلی دامن گیر جامعه نبوده است الا الان و زمانه ما، مخصوصا برای قشر مذهبی و انقلابی! نه وجدانش می گذارد هرزه باشد نه شهوتش می گذارد دامنش پاک بماند، باز دلمان در گرو دین است و مسجد و ظاهر مذهبی مان نه می خواهیم لامذهب شویم نه توانسته ایم خودمان را حفظ کنیم! برمی گردیم سمت خدا، تا التماس دعا به من می گویند می خواهم توی سر خودم بزنم، که درونت را نمی بینند و خلوتت را، فقط نماز اول وقتت را می بینند و ظاهرت را! از خودم خجالت می کشم از وجهه ای که به دروغ حمل می کنم خجالت می کشم، نا امید می شوم، خودم را دلداری می دهم که برگرد خدا بزرگه، اما آشفتگی و تناقض رفتار امانان را می برد، دل در گرو دین و انقلاب داریم، هم خون دل برای جامعه می خوریم هم دلمان خون است از مجرد بودن! هیچ کسی شاید نتواند بفهمد عمق غصه ی جوانی را که نمی تواند ازدواج کند، هیچ کس نمی تواند بتواند بفهمد چقدر دلمان غرق خواهش و نیاز می شود وقتی زوجی را می بینیم، اما لب باز نمی کنیم و به شوخی می گوییم کی زن میگیره تو این شرایط، به دروغ می گیم مجردی بهتره، اما بخدا دروغ می گیم

شما باور نکنید. این فضای سنگین در کنار هرزگی افسار گسیخته و حجاب خراب، کار را عجیب پیچیده می‌کند، حتی جوری فضا بسته است که صیغه ی حلال هم برای جوان مذهبی بن بست شده است، دینداری من هم تو سرم بخوره که اگه دیندار بودم تقوا داشتم و توکل، اما فعلا من همینم که می‌بینید، من کم آورده‌ام، من خدا را جدی وارد زندگیم نکرده‌ام، اما بخدا قسم استاد ما کافر نیستیم، ما لائیک نیستیم ما حرف خدا را نمی‌خواهیم زیر پا بگذاریم اما کم آورده ایم، زخمی شده ایم، زمین گیر شده ایم، برای دل‌های صد پاره و متحیر ما هم دعا کنید. واقعا مانده ایم، واقعا دچار سرگستگی شده ایم. نمی‌خواهیم چنین باشیم، نمی‌خواهیم.

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: فدای دل صد پاره و متحیر شما شوم، نه من تنها، که آیت الله امینی می‌فرمودند من گاهی مدت‌ها وقتی شرایط جوانانی که شما یکی از آن‌ها هستی را در نظر می‌گیرم، زار زار اشک می‌ریزم.

همین‌طور است که می‌گویید واقعاً شرایط برای امثال شما طاقت‌فرسا است و نسل ما یعنی کسانی که هم سنّ بنده هستند، ابداً آن را احساس نکرده‌ایم. با این‌همه و همین اندازه آیه‌ی ۳۳ نور را در نظر بگیرید که می‌فرماید: «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُعْزِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» اگر آن‌هایی که امکان ازدواج برایشان نبود، عفت به خرج دهند و گرفتار زناکاری نشوند، در راستای مقاومت‌شان حضرت حق به نحوی از فضل خود آن‌ها را برخوردار خواهد کرد.

مسئله‌ی شما مسئله‌ی بزرگی است در آن حدّ که رهبر معظم انقلاب در سال ۹۳ این‌طور فرموده‌اند: «مسئله‌ی ازدواج جوانها مسئله‌ی مهمی است. من از این بیم دارم که نگاه بی‌تفاوت نسبت به مسئله‌ی ازدواج - که متأسفانه امروز کم و بیش این نگاه بی‌تفاوت وجود دارد - در آینده تبعات سختی را برای کشور به وجود بیاورد. خب، حالا شما مسئله‌ی سربازی را مطرح کردید؛ به نظر من، سربازی مسئله‌ی مشکلی نیست؛ می‌شود در آن زمینه هم فکر کرد، کار کرد؛ راه حل مشکل سربازی به عنوان یک مانع در امر ازدواج، این نیست که ما مدت زمان سربازی را کوتاه کنیم؛ می‌توان شیوه‌های دیگری را به کار گرفت؛ لکن این یک مسئله است. انگیزه برای ازدواج، باید تبدیل بشود به یک اقدام عملی؛ یعنی ازدواج باید تحقق پیدا بکند. اینکه خدای متعال می‌فرماید: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْزِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»، این یک وعده‌ی الهی است؛ ما باید به این وعده، مثل بقیه‌ی وعده‌های الهی که به آن وعده‌ها اطمینان می‌کنیم، اطمینان کنیم. ازدواج و تشکیل خانواده، موجب نشده است و موجب نمی‌شود که وضع معیشتی افراد دچار تنگی و سختی بشود؛ یعنی از ناحیه‌ی ازدواج کسی دچار سختی معیشت نمی‌شود؛ بلکه ازدواج ممکن است گشایش هم ایجاد کند.» موفق باشید